

تبیین نقش و جایگاه بازیگران قومی - مذهبی ، در ساختار جغرافیای فرهنگی سوریه با تأکید بر نقش تأثیرگذار علویان

1. محمود مهدوی جو 2. ابوالفضل بهنیافر 3. اسد بیگی

1. دانشجوی دکتری تاریخ و ملل اسلامی گروه تاریخ ، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد ، ایران

2. دانشیار گروه جغرافیا، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی ، مشهد، ایران (نویسنده مسئول) A.behniyafar@yahoo.com

3. استادیار گروه تاریخ، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد ، ایران

چکیده:

با رسیدن موج بیداری اسلامی جهان عرب به سوریه، یکی از پیچیده ترین چالش های مذهبی قومی در منطقه غرب آسیا رگم خورد و بسیاری از کشورهای منطقه ای و فرامنطقه ای را به این کشور متوجه ساخت شاید بتوان گفت اهمیت ژنو کاسپر سوریه و نقش استراتژیک این کشور در مناسبات منطقه ای و بین المللی در ایجاد و تداوم این ناآرامی تأثیرگذار بوده است. هرچند تحولات صورت گرفته در سوریه تا حدودی ریشه در نارضایتی های نارضایتی اقوام مختلف و اوضاع پرتنش داخلی این کشور داشته اما بدون تردید وجود منافع مشترک و گاه متضاد کشورهای خارجی در سوریه نیز در تعیین جنگ قومی و مذهبی و گسترش بحران بی تأثیر نبوده است مقاله حاضر با طرح این سوال که ، جایگاه بازیگران قومی - مذهبی در ساختار جغرافیای فرهنگی سوریه و نقش حکومت علویان پس از وقوع بحران چه بوده است؟ سعی داره با روش توصیفی تحلیلی و با بهره مندی از مطالعات کتابخانه ای و مشاهدات عینی به تبیین جایگاه قومی مذهبی و در ساختار سوریه و نقش حکومت علویان در بحران بپردازد. در این راستا فرضیه های به شکل زیر مطرح شد : جایگاه قومی - مذهبی و نیز حکومت علویان در سوریه متزلزل گردیده است مطالعات صورت گرفته در جهت اثبات فرضیه بیانگر این واقعیت است که بعد از گسترش بحران شکاف های قومی - مذهبی در سوریه پس از جنگ داخلی گسترش یافته است و از طرفی نظام علوی حاکم در سوریه جایگاه خود را به شدت از دست داده است .

کلید واژه: تاریخ اقوام، مذاهب، ساختار جغرافیایی سوریه، علویان

که بر این اساس مذاهب شیعه اثنی عشری، زیدی، حنفی، مالکی، حنبلی، شافعی و غیره ظهور کرده اند (دهخدا، ۱۳۷۷، ۲۰۵۷۴). مذاهبی که در اسلام پدید آمدند را می توان احزاب و دسته های سیاسی در نظر گرفت که به تدریج به فرق مذهبی تبدیل شدند و جنبه های فقهی و کلامی نیز پیدا کردند. قدیمی ترین فرق اسلامی را می توان فرقه های «شیعه» که به امامت و حق خلافت علی (ع) معتقد بودند و «عثمانیه» یعنی انتقام جویان خون عثمان دانست و بعدها فرقه های سیاسی «خوارج» و «مرجئه» نیز ظهور کردند و سپس فرقه های کلامی مانند «قدریه»، «معتزله»، «جبریه» و «اشاعره» در اسلام پدید آمدند. برخی از محققان با تأکید بر حدیث ناجیه به دنبال آن هستند تا عدد فرق اسلامی را به ۷۲ یا ۷۳ فرقه برسانند. مسعودی معتقد است در زمان او ۷۳ فرقه وجود داشته است و شیخ طوسی نیز این ۷۳ فرقه را به دو مذهب فراگیر نواصب و روافض تقسیم می کند. (قدیانی، ۱۳۷۴، ص ۲۶۵). مسئله مهم در حدیث ناجیه شناخت گروه «رستگار» است چرا که بر اساس حدیث روایت شده از پیامبر (ص)، «کلهم فی النار الا واحده»؛ یعنی همه فرق اسلامی به جز یک گروه در آتشند. شناخت این گروه رستگار از همان ابتدا توجه علمای فرق و مذاهب اسلامی را به خود مشغول کرده است تا حدی که شیخ محمدعبده از پیشوایان اهل سنت گفته است: «گروه رستگار تا کنون برای من معین نشده است زیرا تمام فرق اسلامی مدعی پیروی از پیامبر بوده و می باشند. در برخی احادیث نیز از پیامبر (ص) این طور نقل شده است که «فرقه گمراه یکی است و دیگران رستگارند». البته شبهاتی در مورد سند و متن این حدیث وجود دارد. (سبحانی، ۱۳۶۹، ۳۱ تا ۴۰).

مبانی نظری

در رویکردهای سیاست بین المللی، دولت به عنوان بازیگری هم مطرح است. دولت به شکل جدید آن از زمان انعقاد قرارداد صلح و سفالیا در سال در سال ۱۹۴۸ پا به عرصه وجود گذاشت. حاکمیت قدرت

در جهان معاصر، دین نه تنها از زندگی انسان کنار نرفته بلکه کماکان یکی از ارکان مهم اجتماعات بشری باقی مانده است. بررسی های علمی نشان می دهد حتی در پیشرفته ترین جوامع بشری نیز تعداد زیادی از افراد خود را مذهبی معرفی می کنند. (گوردون، ۱۳۷۳، ۲۵) برخی از جامعه شناسان به معکوس شدن روند دنیوی شدن^۱ در بسیاری از کشورهای پیشرفته صنعتی اذعان دارند. (افتخاری، ۱۳۸۹، ۴۱۷) گرایش گسترده مردم جوامع غربی به معنویت و رشد روزافزون مسلمانان در اروپا در کنار خودنمایی مظاهر اسلامی نظیر حجاب در این جوامع حاکی از افزایش نقش و اهمیت دین در دنیای مدرن امروز است. دین عبارت است از مجموعه عقاید موروث مقبول در باب روابط انسان با مبدء وجود وی و التزام بر سلوک و رفتار بر مقتضای آن عقائد. دین صرف نظر از چیستی منشأ آن، امری است که جنبه اجتماعی آن مسلم است و اگرچه فرضیه کسانی که دین را منشأ همه تحولات تاریخ و مبدء همه حوادث عالم می شمارند، لاقلاً امروز کاملاً مقبول و مسلم نیست لیکن تأثیر دین در حوادث تاریخ کاملاً اثبات شده است. ادیان در یک تقسیم بندی کلی به ادیان الهی و غیرالهی تقسیم می شوند. ادیان الهی، ادیانی هستند که اساس آنها بر اعتقاد به یگانگی خداست و آن را ادیان آسمانی نیز گویند. احکام ادیان الهی از جانب خدا و از طریق پیامبران به پیروان ابلاغ می شود و اساس این ادیان بر تسلیم استوار است. (دهخدا، ۱۳۷۷، ۱۱۴۱۷۱). در اصطلاح متداول، در بعضی مواقع دین و مذهب در یک معنا به کار برده می شوند در حالی که میان آنها تفاوت های اساسی وجود دارد. مذهب در اصطلاح علم کلام، طریقه خاصی در فهم مسائل اعتقادی، خصوصاً مسئله امامت است که از اختلاف در توجیه مقدمات منطقی و یا تفسیر ظاهری کتاب خدا نشأت می گیرد و بر اساس آن مذاهب مختلفی مانند شیعه امامی، اشعری، معتزلی و ماتریدی به وجود آمده اند و در اصطلاح فقهی، روش خاصی در استنباط فروع دین از ظاهر کتاب خدا و سنت است

ناشی از آزادی و استقلال یک دولت مستقل است . دولت های مستقل با اعمال حق حاکمیت ، روابط بین‌المللی و امور داخلی خود را به وفق تمایلات خود تنظیم می‌کنند . حق حاکمیت به معنای آزادی مطلق نیست ، بلکه رفتار دولتها به وسیله قواعد و احکام حقوق بین‌المللی و مقررات سازمانهای بین‌المللی که دولتها در آنها عضویت دارند مشروط می شود (روشن و فرهادیان ۱۳۸۵ ، ۸۷) . گذشته از معانی و برداشت های متفاوتی که از واژه ترکیبی حاکمیت ملی وجود دارد . حاکمیت ملی ، اعمال اقتدار دولت و کشورها در مرزهای سرزمین مشخص است . بدین معنا که در یک قلمرو جغرافیایی معین ، دولت به عنوان عالیترین نهاد سیاسی ، اعمال اقتدار کرده و مرجع نهایی تصمیم گیری بوده و دیگر مراجع داخلی که صلاحیت و اقتدارش را به چالش می‌کشند بر نمی‌تابد . برخی از دانشمندان حاکمیت را حق انحصاری حکومت برای استفاده از زور یا قدرت مشروع، می دانند . بنابراین حاکمیت به معنی چیرگی قانونی حکومت بر ملت و سرزمین می باشد و مفهوم اجرای قوانین حکومت برای کنترل مردم و سرزمین در محدود جغرافیایی می رساند (بدیعی ۱۳۹۱ ، ۱۵۱) لیکاک معتقد است که، برای این که حاکمیت وجود داشته باشد، سرزمین و مردم نباید بخشی از واحد های سیاسی دیگر باشند، سرزمین هم نباید بخش هایی داشته باشد که از لحاظ جغرافیایی بخشی از آن باشند اما از لحاظ سیاسی بخشی از آن نباشند. به طور خلاصه مردم باید مستقل باشند تا حاکمیت داشته باشند و از لحاظ داخلی نباید اقتدار ای رقیب یا هم تراز وجود داشته باشد و از لحاظ خارجی، کشور باید از سلطه دولت‌های دیگر آزاد باشد (عالم، ۱۳۸۷ ، ۱۴۴). دولت‌های برآمده از معاهده و سفالیا دارای شاخصه هایی مانند ایجاد رفاه، امنیت نهادهای مدنی مشروع و غیره هستند. زمانی که دولتی فاقد توانایی لازم در انجام این شاخصه‌ها باشد دولتی ور شکسته و شکننده محسوب می گردد. از مهم‌ترین شاخص‌های دولت ناکارآمد می‌توان به مواردی مانند میزان بالای خشونت وجود ناسیونالیسم قبیله ای و تباری، بی‌ثباتی اقتصادی، بحران مشروعیت

، ناکارآمدی دولت و فقدان اقتدار، ناامنی، وجود سلاح در دست مردم و تکثر گروه‌های افراطی و مسلح در جامعه اشاره کرد (یزدانی و قاسمی، ۱۳۹۵، ۶۱) امروزه در اثر جهانی شدن، روابط بین‌المللی گسترش یافته و تأسیس سازمان‌های بین‌المللی باعث کاهش استقلال داخلی و حاکمیت درونی دولت های ملی شده است در واقع ظهور فرایند جهانی شدن با تکیه بر انقلاب اطلاعاتی و محل زدایی حاصل از جهانی شدن مرزهای دولت ملی نسبت به گذشته شده اما باید اذعان داشت که در صحنه مبادلات بین‌المللی، قدرت سیاسی و اقتصاد، هنوز بازیگران اصلی و رسمی دولت‌ها هستند (جلال پور و همکاران، ۱۳۹۴، ۳۵) او دیدگاه در مورد تحول مفهوم حاکمیت در جهان مدرن وجود دارد که عبارتند از : نخست دیدگاه رئالیست ها ، که معتقدند اصل حاکمیت در نظام بین‌المللی در حال نابودی نیست بلکه شکل و نوع آن در حال تغییر است دیدگاه دوم مربوط به لیبرالیست ها است که اعتقاد دارند در جهان معاصر حاکمیت تضعیف گردیده است. اما با توجه به روند رو به رشد پدیده جهانی شدن و گسترش فضای مجازی، می‌توان روند تداوم و فرسایش حاکمیت ملی را به موازات هم مشاهده کرد به طوری که با توجه به فراگیر شدن فضای بازی و گسترش جهانی شدن، مفهوم حاکمیت در حال دگرگونی می باشد (بدیعی ۱۵۱، 1391).

ادبیات تحقیق :

در میان کشورهای اسلامی ، بیشترین تنوع دینی و مذهبی در کشورهای لبنان و سوریه مشاهده می شود زیرا جوامع مسیحی و مسلمان این کشورها، به فرقه های زیادی تقسیم شده اند. تنوع مذهبی در سوریه و لبنان بسیاری از مناسبات سیاسی را در این دو کشور تحت تأثیر خود قرار داده است به نحوی که قدرت سیاسی در لبنان به صورت توافقی بین مسیحیان، اهل سنت و شیعیان تقسیم شده است. اما در سوریه شرایط متفاوت است به گونه ای که از سال ۱۹۷۰ میلادی تا کنون، قدرت در خاندان علوی مذهب اسد متمرکز

شکل گرفت. با تأسیس حزب بعث و حضور چشمگیر علویان در این حزب و در ادامه با به قدرت رسیدن حزب بعث، حافظ اسد در طی کودتایی در سال ۱۹۷۰ میلادی توانست قدرت را در سوریه در دست بگیرد و به این ترتیب نقش علویان در سوریه بیش از گذشته پررنگ شد. اگرچه نظام سوریه نظامی سکولار می باشد که هیچگاه عامل مذهب در آن نقش اساسی ایفا ننموده است اما اعتماد حافظ اسد و بشار اسد به علویها و اعطای پست های مهم خصوصا در ارتش و نهادهای امنیتی به آنان از یک سو و برخوردهای خشونت آمیز نظام سوریه با اسلام گرایان سنی از سوی دیگر، زمینه ساز ایجاد شائبه حکومت اقلیت علوی بر اکثریت سنی گردید و یکی از مناقشات اصلی در عرصه داخلی را می توان همین عامل، یعنی شکاف مذهبی در نظر گرفت. فتاوی برخی از علمای اهل سنت مانند ابن تیمیه که ضمن تکفیر علویان، آنان را بدتر از مسیحیان و یهودیان معرفی نموده است، از جمله عواملی است که این مناقشه مذهبی را تا حد ممکن افزایش داده است.

همچنین مناقشات قومی یکی دیگر از چالش های موجود در سوریه میباشد. جامعه سوریه بر اساس عامل قومی به دو بخش عرب (بیش از ۹۰ درصد) و کرد (حدود ۱۰ درصد) تقسیم میشود. اقلیت کرد که تا پیش از سال ۲۰۱۱، یک قوم بی هویت محسوب می شد. با آغاز بحران و پس از آن جنگ داخلی سوریه تبدیل به یکی از کنشگران اصلی میدان نبرد شد که توجه بازیگران منطقه ای و فرامنطقه ای را به خود جلب نمود.¹

ادیان و مذاهب سوریه

بیش از ۹۰ درصد جمعیت سوریه را مسلمانان تشکیل میدهند. ۷۴ درصد از جمعیت سوریه را اهل سنت و

گردیده است و این امر همواره نارضایتی اهل سنت را به دنبال داشته است. ایدئولوژی حزبی، ژئوپلیتیک، نظام تک حزبی و عدم گردش نخبگان سیاسی و اجتماعی، حاکمیت ناکارآمد و فرقه گرایی از ویژگی های تاریخ سوریه در دوران استقلال می باشند. وجود مجموعه ای از نیروهای مخالف در سوریه، موجب استقرار الگویی از سیاست کودتایی آمد و شد سریع نخبگان در محیطی به شدت ناامن در طی دهه های میانی قرن بیستم شد. در نتیجه، بحران مشروعیت نخبگان و نهادهای حاکمیتی، از جمله آسیبهای مزمن و آزاردهنده ای است که جامعه سوریه در طی یک قرن اخیر با آن روبه رو می باشد. رژیم های کودتا که در دهه پنجاه و شصت میلادی یکی پس از دیگری روی کار می آمدند به منظور فائق آمدن بر یکدیگر، از گروههای اقلیت فقیر و محروم پارگیری می کردند و به این ترتیب، اقلیت هایی که در طول تاریخ سوریه هیچگاه مجالی برای عرض اندام نیافته بودند و توسط اکثریت سنی تحقیر و سرکوب میشدند در غیاب سنی هایی که به دلیل احساسات ملی گرایانه و دینی، حاضر به ورود به ارتش تحت رهبری و هدایت فرانسه نبودند، به تدریج جذب ارتش شدند به این ترتیب، زمینه های رشد و تربیت نسل جدیدی از نخبگان سیاسی و نظامی غیرسنی در سوریه فراهم شد.¹ علویان سوریه که طی سالهای متمادی تحت فشار خلفای بنی عباس و سپس سلاطین عثمانی در رنج، محرومیت و انزوا به سر می بردند و به دلیل خشونت های فراوانی که علیه آنان صورت می گرفت در مناطق کوهستانی عزلت گزیده بودند، پس از جنگ جهانی اول و فروپاشی امپراطوری عثمانی، مورد توجه فرانسویان قرار گرفتند و به تدریج جذب ساختارهای سیاسی و نظامی سوریه شدند. کناره گیری اهل سنت ناخشنود از استعمارگران، زمینه را برای قدرت یابی علویان فراهم نمودار دولت علویان لاذفیه

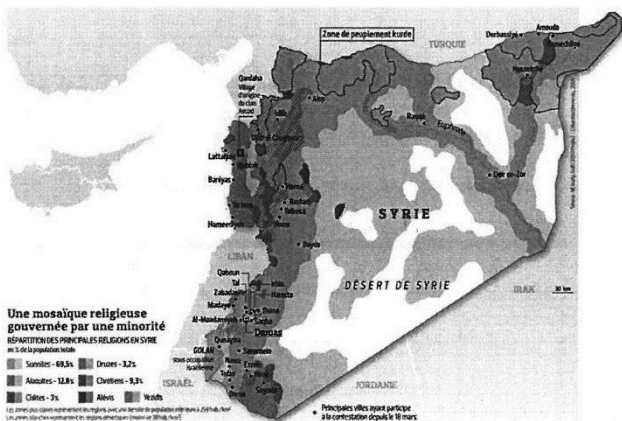
Tilburg University:
<http://ssrn.com/abstract=۲۲۶۹۷۰۰>

)
[http://worldpopulationreview.com/countries/syria-2-\(population/](http://worldpopulationreview.com/countries/syria-2-(population/)

1-Van Dum, Nikolaos (1981) The Struggle For Power in Syria, London: Croom Helm, p.40

1- McGee, Thomas, ۲۰۱۳, The Stateless Syrian, Report of the Middle East and North Africa Nationality and Statelessness Research Project,

پنجم قانون اساسی سوریه، آزادی عقیده تضمین می گردد و تمامی مذاهب، مورد احترام دولت می باشند و دولت، آزادی انجام شعائر مذهبی را در صورتی که مخل نظم عمومی نباشد، تضمین می کند.



۱۳ درصد آن را نیز پیروان فرقه نصیری (علویان)، اسماعیلیه و شیعه اثنی عشری تشکیل می دهند. جمعیت مسیحیان ۱۰ درصد و جمعیت دروزیها نیز ۳ درصد از جمعیت سوریه گزارش شده است. البته حدود پانزده هزار نفر از پیروان یزیدیه در مناطق کردنشین در شمال سوریه زندگی می کنند و تعداد بسیار کمی یهودی نیز در سوریه سکونت دارند. به لحاظ قومی، ۹۰ درصد اتباع سوری از قوم عرب و کمتر از ده درصد از قوم کرد می باشند. اقوام آشوری و ترکمن از دیگر اقوام سوریه می باشند.^۱

مذهب	درصد از کل جمعیت
سنی (حنفی شافعی)	74
علوی (نصیری)	11
مسیحی	10
دروزی	3
شیعه اثنی عشری	1
اسماعیلیه	1

جمعیت پیروان ادیان و مذاهب در سوریه

اهل سنت سوریه عمدتاً در مناطق شمالی، شرقی و مرکزی سوریه ساکن هستند. هم چنین بخش عمده ای از آنان در غرب و در شهرهای بزرگی چون حما و حمص سکونت دارند. محل سکونت علوی ها در ساحل مدیترانه می باشد و دروزی ها در استان سویدا در جنوب و در امتداد مرزهای اردن متمرکز شده اند. مسیحیان نیز عمدتاً در مناطق غربی سکونت یافته اند. در ادامه به معرفی اجمالی ادیان و مذاهب سوریه پرداخته خواهد شد.

۱. حنفیه

مذهب حنفیه از مذاهب چهارگانه اهل سنت است. پیروان ابوحنیفه نعمان بن ثابت را که ایرانی الاصل^۱

علی رغم این که اکثریت جمعیت سوریه را مسلمانان تشکیل می دهند اما در این کشور هیچ دین یا مذهبی به عنوان دین یا مذهب رسمی معرفی نشده است. (دوئرتی، 1385، ۸۰) با این حال، بنا به تصریح اصل سوم قانون اساسی سوریه، رئیس جمهور باید الزاماً مسلمان باشد و فقه اسلامی بدون اشاره و تأکید بر مذهب، فرقه یا طایفه خاصی، به عنوان منبع قانونگذاری معرفی شده است. براساس اصل سی و

3- (اعراب سوریه عمدتاً پیرو مذهب حنفی و اکثریت کردها پیرو مذهب شافعی می باشند.)

p - <http://www.onreligion.co.uk/who-are-the->

4-[\(syrian-allawis/](http://www.onreligion.co.uk/who-are-the-syrian-allawis/)

5 - (<http://rc.majlis.ir/fa/law/show/1322277>

)

1- گفته می شود پدر ابوحنیفه، زوطی نام داشت و از اهالی بلخ بود و در جریان فتح خراسان به اسارت در آمد و به عراق آورده شد. زوطی به اسلام گروید و آزادی خویش را بازیافت و فرزندش ثابت زمانی متولد شد که وی مسلمان بوده است.

و متولد کوفه بود و در حوالی سال ۱۴۸ هجری قمری درگذشت و در بغداد به خاک سپرده شد را حنفی می نامند. ابوحنیفه قائل به رأی و اجتهاد بود و از اهل حدیث بیزاری جست. او قیاس و استحسان (رأی) را هم به عنوان یکی از اصول {فقه} پذیرفت و قیاس و رأی را پس از قرآن، سنت و اجماع به عنوان اصل چهارم قرار داد.

نوبختی و ابوالحسن اشعری با استناد به قول ابوحنیفه در رساله فقه الاکبر که گفته است: «لانکفر احداً بذنب ولا نفی احداً عن الایمان» (ما کسی را به خاطر گناهی که مرتکب شده کافر نمیشماریم و از او نفی ایمان نمی کنیم)، او را از مرجئه میدانند.

گفته می شود او خلفای عباسی را دوست نداشت و به دشمنان علوی (شیعیان ایشان از مال خود کمک می کرد. زمانی که منصور دوانیقی خلیفه عباسی از ابوحنیفه خواست منصب قضاوت بغداد را برعهده بگیرد او نپذیرفت و به زندان افتاد تا در گذشت (مشکور، ۱۳۷۲، ۱۷۰ و ۱۷۱).

ابوحنیفه در سفر یا سفرهایی که به حجاز داشته است، در مدینه از محضر امام محمدباقر(ع) بهره برد. محمدابوزهره در کتاب تاریخ مذاهب اسلامی درباره حوزه نفوذ و گسترش مذهب حنفیه می نویسد:

«مذهب حنفی در هر سرزمینی که حکومت عباسی سیطره داشت، منتشر شده است و هر جا سلطه عباسیون کم رنگ شده است، سلطه حنفیه نیز رنگ باخته است ... حنفیه در این مناطق {عراق و شام} مذهب رسمی و مردمی بوده است هرچند در مناطق ترکستان و ماوراء النهر، فقه شافعی نیز در میان مردم شیوع داشته است. مذهب حنفی در مصر و مغرب حوزه ی نفوذ مردمی نداشته است.» (خمینی ۱۳۸۹، ۳۸۷).

ابوحنیفه به عنوان فقیهی مخالف با فساد دستگاه حکومت، با دیدگاههای اعتقادی خاص خود، به غیر از خوارج مورد توجه بسیاری از جناح های مخالف حکومت قرار گرفت. در جریان قیام زید بن علی در سالهای

۱۲۱-۱۲۲ هجری قمری، ابوحنیفه به صورت پنهانی او را یاری کرد و مال و جنگ افزار در اختیار او قرار داد. ابوحنیفه، امام علی (ع) را در تمامی جنگهایش برطریق حق میدانند و اعتقاد به بغی دشمنان او دارد و پس از امام علی(ع)، امام حسن (ع) را به عنوان خلیفه و امام برحق میشناخت. صیمری از حنفیان متقدم عراق معتقد است که ابوحنیفه و شاگردانش، ابویوسف و شیبانی، به تفضیل علی(ع) بر عثمان اتفاق نظر داشتند. بر پایه منابع شیعه، ابوحنیفه معتقد بود هر مردی از قریش که مردم را به کتاب و سنت و عمل به عدل فراخواند، امامت او ثابت می گردد و بردیگران همراهی با وی در خروج واجب می شود. به نظر می رسد وی از گرایش های افراطی اجتناب داشت و به دنبال پیشگیری از گسیختگی های اجتماعی-دینی بوده است. در زمینه اجتماعی، ابوحنیفه با کمک به قیامهای شیعیان به گونه ای عملی، آرمان خود را در پدید آوردن نظامی عدل گستر و مخالفت خویش را بانظام جور مطرح ساخته بود. ابوحنیفه سخت نگران اختلافات مذهبی مسلمانان بود و ضمن دعوت مردم به تحصیل دانش و بینش، آنان را از تقلید جاهلانه و کورکورانه از سران فرقه ها و گروههای مختلف برحذر می داشت. (خمینی ۱۳۸۹، ۵۶۱ تا ۵۶۳).

۲. شافعی

پیروان ابو عبدالله محمد بن ادریس را شافعی می نامند. وی در سال ۱۵۰ هجری قمری در شهر غزه فلسطین به دنیا آمد و در سال ۲۰۴ هجری قمری در فسطاط مصر درگذشت. وی در ابتدا از پیروان مالک بن انس بود اما در ادامه برای خود مذهبی خاص اختیار کرد. محمد بن ادریس در کلام پیرو ابوالحسن اشعری بود و ادله اربعه آنان یعنی کتاب، سنت، اجماع و قیاس را قبول داشت و استحسان حنفیان و «مسائل مرسله» مالکیان را رد می کرد. وی نخستین کسی بود که اصول فقه را تدوین کرد. احمد بن حنبل بنیانگذار مذهب حنبلی از شاگردان محمد بن ادریس بوده است.

مذهب شافعی در دوران عثمانی ها در کشورهای اسلامی رواج پیدا کرد و در آغاز قرن دهم هجری قمری دیگر مذهب اهل سنت را تحت تأثیر خود قرار داد. بسیاری از مسلمانان در کشورهای جنوب شرق آسیا و اکثر کردها پیرو مذهب شافعی هستند. (مشکور، ۱۳۷۲، ۲۴۸ و ۲۴۹). تا پیش از پدید آمدن صفویه، اکثر مناطق ایران در موارد فقهی، بر اساس مذهب شافعی عمل می کردند. (خمینی، ۱۳۸۹، ص ۸۰۹). محمدابوزهره در باب عقائد شافعی در مورد امامت می نویسد: شافعی معتقد بود او امامت امر دینی است و باید آن را اقامه کرد؛ ثانیاً امامت باید از آن قریش باشد و ثالثاً شرط صحت خلافت آن نیست که مردم قبل از پدید آمدن ولایت بیعت کرده باشند بلکه حتی اگر یک قریشی به وسیله شمشیر بر حکومت غلبه پیدا کند و بعد مورد بیعت مردم قرار گیرد، خلافتش صحیح است. شافعی همچنین عدالت را شرط بدیهی امامت می دانست شافعی معتقد بود احق مردم نسبت به امر خلافت، ابوبکر، سپس عمر، سپس عثمان و سپس امام علی بن ابی طالب (ع) می باشند.

وی همچنین با اضافه کردن عمر بن عبدالعزیز، خلفاء راشدین را پنج خلیفه می داند. شافعی نسبت به علی (ع) محبت بسیار زیادی داشت و معاویه و خوارج را باغی دانسته و در نزاع های علی (ع) با مخالفینش، همواره حق را با علی (ع) می دانسته است. محبت زیاد شافعی به علی (ع) بارها باعث شده است تا حکومتها و بسیاری از راویان مثل یحیی بن معین وی را به تشیع متهم کنند. (خمینی ۱۳۸۹، ۸۰۸، ابو زهره، ۴۵۸).

شافعی در دوران حیاتش به یمن نیز مسافرت کرد و با علویان زیدی و امام یحیی بن عبدالله از بزرگان زیدیه رفت و آمد پیدا کرد تا اینکه او را به همراه عده ای از علویان زیدی دستگیر کردند و به نزد هارون الرشید بردند. گفته میشود هارون چون از مقام علمی وی آگاه گردید او را بخشید و آزاد کرد. (مشکور ۱۳۷۲، ۲۴۸).

۳. دروزیه

نام این فرقه از کلمه «درزی» به معنی خیاط، مؤسس این فرقه گرفته شده است. این مرد درزی که نام او به درستی معلوم نیست در آغاز از باطیان اسماعیلی بود. مورخان نصرانی، نام او را محمد بن اسماعیل و لقب او را نشتکین نوشته اند و او را ایرانی الاصل میدانند. او در سال ۴۰۸ هجری قمری به مصر رفت و از طریق حمزه بن علی زوزنی که از مقربان خلیفه فاطمی، الحاکم بامر الله بود به دربار فاطمیان راه یافت. درزی برای الحاکم بامر الله مقام الوهیت قائل شد و گفت: عقل کلی در آدم ابوالبشر حلول کرد و به صورت او تجسد یافت و از وی به دیگر انبیاء انتقال یافت تا به حضرت محمد (ص)، ائمه (ع) و سپس خلفای فاطمی رسید. دروزیه معتقدند الحاکم بامر الله صورت ناسوتی خداوند است و خداوند همیشه در انسان حلول می کند اما تنها کسی را که به عنوان خدایی میشناسند الحاکم بامر الله است و منکر وفات او هستند و می گویند: او از چشم خلق مستور است و در آخرالزمان ظاهر خواهد شد. عقیده تناسخ بین ایشان شایع است و معتقدند نیکان به صورت زیبا متناسخ می شوند اما بدان به صورت سگان در می آیند. گفته می شود وی درباره عقائدش کتابی نوشت و در آن ازدواج با محارم را جایز اعلام کرد و اعتقاد به تناسخ را مطرح نمود و در پی اعتراض مردم مصر، به شام مهاجرت کرد و در آنجا کشته شد. (مشکور ۱۳۷۲، ۱۹۲ - ۱۹۴).

فرقه دروزیه علی رغم آن که از مذهب اسماعلیه نشأت گرفته بود اما به دلیل عقائد بدعت آمیزش از چارچوب مذهب اسماعیلی و شیعه خارج شد. اگرچه پیروان این فرقه با نام دروزی شناخته می شوند اما نویسندگان دروزی از عنوان موحدون برای خود استفاده می کنند. دروزیان جامعه بسته ای دارند و گروهی جدیدی را نمی پذیرند و کسی را به مذهب خود دعوت نمی کنند و از متون مذهبی و عقائد خود به صورت کاملاً مخفی نگهداری می کنند. در یک طبقه بندی درونی، پیروان فرقه دروزیه به عقال که بر حقایق دینی واقف هستند و جهال که اکثریت جامعه دروزی را تشکیل میدهند و بر حقایق دینی تشرف حاصل نکرده اند و مجاز به

دروزی، به جای پنج حکم اصلی شریعت (نماز، روزه، حج، زکات و جهاد)، برای دروزیان هفت وظیفه که از آن به الشروط السبعه تعبیر می شود مقرر کرد که عبارتند از: اعتقاد به الحاکم و ایمان محکم به توحید او، انکار عقائد غیر دروزی، رفض شیطان و کفر، قبول اعمال الهی، تسلیم به امر خدا در بلا و مصیبت، صدق اللسان. و کمک به هم کیشان. دروزیان ایام خاصی از سال را روزه می گیرند که مهمترین آن، ۹ روز اول ذیحجه است. روز عید اضحی (قربان) بزرگترین عید دروزی محسوب میشود. (خمینی، ۱۳۸۹، ۶۴۸، بهمین پور ۱۳۸۷).

دروزیها تمایل دارند با نام «موحدین» شناخته شوند. آنها به تناسخ اعتقاد دارند و مرقد حضرت هابیل در نزدیکی دمشق و مرقد حضرت شعیب در شهر الجلیل در فلسطین از اماکن زیارتی آنان می باشد. دوران تکلیف در آئین دروزی از چهل سالگی آغاز میشود و تعدد زوجات، شرب خمر، خوردن گوشت خوک و استعمال دخانیات و مواد مخدر در این آئین حرام است. عبادت گاه های آنها «خلوت» نام دارد و اطاق یا سالی خالی است که در آن، شیوخ دروزی برای پیروان این آئین دعا و کتاب مقدس را قرائت کرده و شرح میدهند. (علیزاده طباطبایی، ۱۳۸۷، ۴۵ و ۴۶).

۴. اسماعیلیه

اسماعیلیه شاخه ای از مذهب امامیه است که در اثر اختلاف درباره جانشینی امام جعفر صادق (ع) پدید آمد. اسماعیلیه معتقدند امام جعفر صادق (ع) ابتدا بزرگ ترین پسر خود، اسماعیل را به جانشینی خود برگزید اما اسماعیل در سال ۱۴۳ هجری قمری و در زمان حیات پدر از دنیا رفت. در ابتدا ظاهراً اختلافی میان معتقدان به امامت اسماعیل در شهر کوفه به وجود می آید. عده ای از آنها معتقد شدند که اسماعیل زنده است

خواندن نوشته های سری فرقه نیستند، تقسیم می شوند. حدود یک پنجم جمعیت دروزی ها را غقال تشکیل میدهند که حضورشان در همه مناطق دروزی نشین مشهود است. بیشتر آداب مذهبی دروزی ها به غقال تعلق دارد و وظیفه چندانی متوجه جهال نیست. این فرقه به دلیل فعالیت داعیان در منطقه شامات، تنها در این منطقه به موفقیت هایی دست یافت و این عقیده جدید، ایدئولوژی لازم را برای موجی از شورشهای روستایی در شام که به موطن اصلی دروزیه تبدیل شده بود، ایجاد کرد. محل سکونت پیروان این فرقه در سوریه، لبنان و فلسطین اشغالی می باشد و در هریک از این کشورها، دروزیان ساختار گروهی، مذهبی و قبیلهای خود را دارند و دارای رهبری مجزا می باشند، هرچند حس همبستگی قومی و مذهبی در بین آنها بسیار قوی است. دروزیان سوریه بیشتر در استان سویدا در جنوب غربی سوریه که جبل حوران در آن واقع شده است سکونت دارند. این منطقه هم اکنون به جبل الدروز یا جبل العرب مشهور است. (خمینی، ۱۳۸۹، ۶۳۷ تا ۶۴۷).

تعداد دروزیان سوریه ۸۶۵۰۰۰ نفر تخمین زده شده است. دروزی های لبنان در مناطقی مانند جبل، اشحار، المناصف و الجرد زندگی می کنند. در فلسطین اشغالی دروزی ها در جبل کرمل، صفا و تلمسان سکونت دارند.

رژیم صهیونیستی در میان اعراب، تنها دروزی ها را مورد شناسایی قرار داده و به دلیل اعتمادی که به آنها دارد، دروزی ها را به خدمت سربازی اعزام می کند. رژیم صهیونیستی از سال ۱۹۵۷ آئین دروزی را به عنوان یکی از ادیان رسمی شناخته است. (علیزاده طباطبایی، ۱۳۸۷، ۴۴ و ۴۵).

از نظر فرقه دروزیه، کلیه آداب شریعت اسلامی و حتی تأویل باطنی آن نسخ شده است و دروزیان به باطن باطن دین اعتقاد دارند. حمزه بن علی، از پیشوایان

2- اصل صدق فقط درباره دروزیان اعمال می شود و در مورد

دیگران، تقیه و راز داری مطلق، معمول است

<http://www.newworldencyclopedia.org/entry/Druz>

و او را مهدی نامیدند و پس از شهادت امام جعفر صادق (ع) منتظر بازگشت او ماندند. عده ای دیگر معتقد شدند با شهادت امام جعفر صادق (ع)، امامت به محمد پسر اسماعیل رسیده است. اما فرقه اسماعیلیه که در نیمه دوم قرن سوم هجری به جنبشی مهم و تأثیرگذار تبدیل شد را نمی توان به معتقدان به امامت اسماعیل در کوفه نسبت داد. (مادلونگی، ۱۳۷۷، ۱۴۹). عده ای معتقدند امام جعفر صادق (ع) پس از انتخاب اسماعیل به عنوان جانشین خود، چون اطلاع یافت او جوانی فاسق است وی را از این مقام خلع کرد^۷

و مقارن همین زمان، اسماعیل از دنیا رفت و حضرت صادق (ع) فرزند چهارم خود امام موسی بن جعفر (ع) را به جانشینی خود برگزید. در منابع اولیه اسماعیلیه، اغلب از شخصی به نام ابوالخطاب محمد بن ابی زینب که در کار امامت اسماعیل دست داشته سخن به میان آمده است. ابوالخطاب در ابتدا از اصحاب امام محمد باقر (ع) و امام جعفر صادق (ع) بود و به سبب سخنان غلوآمیزش از سوی امام جعفر صادق (ع) مورد لعن قرار گرفت و طرد شد و سرانجام توسط عیسی بن موسی کشته شد. پس از مرگ ابوالخطاب، پیروانش به محمد بن اسماعیل، نوه امام جعفر صادق (ع) گرویدند و بر خلاف عده ای که هنوز در مرگ اسماعیل بن جعفر شک داشتند و او را غایب می پنداشتند^۸، به مرگ اسماعیل بن جعفر در زمان امام جعفر صادق (ع) گواهی دادند و پسر اسماعیل را به عنوان پیشوای بعدی خود برگزیدند. اطلاع دقیقی از زندگی محمد بن اسماعیل وجود ندارد. محمد بن اسماعیل در سال ۱۲۱ هجری قمری متولد شد و هفت سال از عموی خود امام موسی بن جعفر (ع) بزرگتر بود و در سال ۱۷۹ هجری قمری درگذشت. از زمان او دوره امامان مستور آغاز می شود. ^۹ برخی از مورخان نوشته اند که خانواده محمد بن اسماعیل به منطقه سلمیه در حوالی حمص در شام

مهاجرت نموده و از ترس مأموران عباسی به صورت بازرگان زندگی می کردند و دعائی را به اطراف بلاد اسلامی گسیل می کردند و مردم را به ظهور مهدی آخرالزمان که از نسل محمد بن اسماعیل است بشارت میدادند. اسماعیلیه، امام را بر دو نوع امام مستودع و امام مستقر تقسیم می کند. امام مستودع کسی است که پسر امام و مهمترین فرزند او و دانای به همه اسرار امامت و بزرگترین فرد زمان خود باشد، جز این که او را حقی بر فرزندانش نیست و امامت در نزد او ودیعه است. امام مستقر کسی است که از همه امتیازات امامت برخوردار است و حق دارد که امامت را به فرزندان و جانشینان خود واگذار کند. (محمدجواد مشکور، ۱۳۷۲، ۴۷ - ۴۹). پس از شهادت امام صادق (ع)، دو گروه خود را از شیعیان امامیه جدا کردند. یک گروه با انکار مرگ اسماعیل او را مهدی موعود نامیدند که آنها را اسماعیلیه خالصه (یا واقفه) می نامند. ایشان مدعی اند امام صادق (ع) صرفاً برای حفظ جان اسماعیل، مرگ وی را اعلام کرده است. گروه دوم با تمسک به روایت نبوی که امامت دو برادر را جز در مورد امام حسن (ع) و امام حسین (ع) منتفی میداند، امامت امام کاظم (ع) را به این دلیل که پیش از ایشان اسماعیل عهده دار منصب امامت بوده است انکار می کنند و به امامت محمد پسر اسماعیل معتقدند که به مبارکیه معروفند با مرگ محمد بن اسماعیل، مبارکه به دو شاخه منشعب شدند و تنها گروه کوچکی از آنها تداوم امامت را در اخلاف محمد بن اسماعیل پذیرفتند و اکثریت آنها با انکار مرگ وی، در انتظار رجعت وی به عنوان امام قائم مهدی موعود باقی ماندند. این گروه بعدها به قرامطه مشهور شدند. پس از مرگ محمد بن اسماعیل، اسماعیلیان و رهبران آنها به مدت یک قرن در سکوت و خفا فعالیت می کردند و به منظور حفظ جان خود در مقابل تعرض عباسیان، تقیه می کردند تا این که

کثیری از معاریف و مشایخ شهر مدینه حاضر کرد و جنازه اسماعیل را به آنها نشان داد و حاضران، مرگ اسماعیل را در مکتوبی تأیید و توشیح کردند.

3- مادر اسماعیل، فاطمه دختر حسین بن حسن بن علی بن ابیطالب (ع) است و امام صادق (ع) به احترام این زن تا پایان عمر او، هیچ زن دیگری را اختیار نکرد. به همین دلیل فاصله سنی اسماعیل و برادر تنی اش افصح از امام کاظم (ع) حدود ۲۵ سال بوده است. (خمینی، ۱۳۸۹: ۱۱۲).

1- عده ای به نقل از امام صادق (ع) معتقدند در امر امامت اسماعیل بدا (تغییر مشیت الهی) حاصل شده است اما شیعه اثنی عشری این موضوع را به گونه دیگری تفسیر می کند. بنا به اعتقاد شیعه اثنی عشری، ائمه هدی (ع) بنا به نص و تصریح پیامبر اکرم (ص) و با ذکر دقیق اسامی از پیش مشخص شده اند. 2- پیش از خاکسپاری اسماعیل در قبرستان بقیع، امام جعفر صادق (ع) برای رفع هر گونه شبهه ای، والی مدینه را به همراه جمع

عبیدالله مهدی در سال ۲۸۶ هجری قمری به رهبری اسماعیلیان رسید و آشکارا مدعی امامت خود و اسلافش گردید و سپس خلافت فاطمیان را در شمال آفریقا بنیان نهاد.

اقامت گاه رهبرانی که قبل از عبیدالله مقام امامت اسماعیلیان را برعهده داشتند ابتدا در خوزستان بوده و سپس به بصره و سرانجام به شهر سلمیه در شمال سوریه منتقل شده است. با توجه به اهمیت فراوانی که اسماعیلیان برای باطن و حقایق مکتوم در باطن دین قائل بودند، در میان مسلمانان به باطنیه مشهور شدند. (خمینی، ۱۳۸۹، ۱۱۲ تا ۱۱۴).

اسماعیلیه در اواسط قرن پنجم هجری به دو فرقه نزاریه و مستعلویه تقسیم شد زیرا المستنصر در آغاز پسر بزرگ خود نزار را به امامت اسماعیلیان برگزیده بود و سپس او را عزل و پسر دیگرش مستعلی را امام و جانشین پس از خود تعیین کرده بود. بعد از مستنصر بین نزار و مستعلی رقابت در گرفت و اسماعیلیه عراق و ایران بر خلاف اسماعیلیه شام، مصر و آفریقا که امامت مستعلی را قبول کرده بودند همچنان به امامت نزار باقی ماندند. (مشکور ۱۳۷۲، ۵۱).

۵. شیعه اثنی عشری

شیعه در لغت به معنی پیروان و یاران و تابعان شخصی معین می باشد. از این رو کسانی را که به ولایت حضرت علی(ع) و پیروی از ایشان اعتقاد داشتند و ایشان را جانشین بلافصل پیامبر (ص) میدانستند «شیعه علی(ع)» نامیده اند. با گذشت زمان، به تدریج و در اثر کثرت استعمال، این افراد «شیعه» نامیده شدند. شیعیان با استناد به حدیث غدیر که توسط اکثر قریب به اتفاق مورخین سنی مذهب نقل شده است به «نص

جلی» معتقدند. بر اساس حدیث غدیر، پیامبر(ص) در هجدهم ذی الحجه سال دهم هجری در منطقه ای به نام غدیرخم، امر فرمودند تا مردم اجتماع کنند. سپس بر فراز منبری از جهاز شتر رفتند و دست حضرت علی(ع) را بلند کردند و فرمودند: «من کنت مولاه فهذا علی مولاه اللهم وال من والاه و عاد من عاداه». مورخان شیعه با توجه به دو آیه «یا ایها الرسول بلغ ما أنزل إلیک من ربک و إن لم تفعل فما بلغت رسالتہ واللہ یعصمک من الناس»^۱. و «الیوم اکملت لکم دینکم و اتممت علیکم نعمتی و رضیت لکم الاسلام دیناً»^۲. که در این روز بر پیامبر(ص) نازل شد معتقدند حدیث غدیر دلیل متقنی بر جانشینی علی(ع) بعد از پیامبر(ص) می باشد. علاوه بر حدیث غدیر، شیعه امامیه به آیات و احادیث متواتر دیگری نیز به عنوان سند حقانیت ولایت علی(ع) و جانشینی ایشان بعد از پیامبر (ص) استناد می کنند. آیه ولایت، حدیث ثقلین، حدیث منزلت و حدیث سفینه نوح از این جمله اند (مشکور ۱۳۷۲، ۲۷۰-۲۷۵).

شیعه به فرقه های مختلفی مانند کیسانیه، زیدیه، اسماعیلیه و غلات تقسیم علی(ع) و یازده تن از فرزندان ایشان اعتقاد دارند و معتقد به غیبت امام دوازدهم(ع) می باشند. این گروه از شیعیان در مقابل شیعیان سبعیه یا هفت امامی، اثنی عشری نامیده شدند. شیعیان اثنی عشری عمدتاً در کشورهای ایران، عراق، آذربایجان، لبنان، بحرین، پاکستان، هند، افغانستان، عربستان و کویت زندگی می کنند. حدود یک درصد از جمعیت سوریه را شیعیان اثنی عشری تشکیل می دهند^{۱۱}. شیعیان اثنی عشری عمدتاً در حاشیه مرزهای سوریه و لبنان و در شهرکهای نبل و الزهرا در استان حلب و شهرکهای فوعه و کفریا در استان ادلب زندگی می کنند.

6- «أنت منی بمنزله هارون من موسی إلا إنه لا نبی بعدی»
7- «ألا إن مثل اهل بیتی فیکم مثل سفینه نوح من رکبها نجا و من تخلف عنها غرق» (مستدرک حاکم، ج ۳، ص ۱۵۱)
8- (اگرچه در ادامه بر اساس بیانیه علما و فضلاء علوی و فتاوی مراجع تشیع، علوی ها به عنوان شیعیان اثنی عشری معرفی خواهند شد اما به لحاظ تفاوت های تاریخی و فرهنگی علویان سوریه با شیعیان اثنی عشری ساکن در این کشور، علویان سوریه در فصلی جداگانه مورد بررسی قرار خواهند گرفت)

1- (قرآن کریم، سوره مائده، آیه ۶۷)

2- (قرآن کریم، سوره مائده، آیه ۳)

3- («أما ولیکم الله و رسوله و الذین آمنوا الذین یقیمون الصلوة ویؤتوا الزکوة و هم راکعون» (قرآن کریم، سوره مائده، آیه ۵۵)، آیه مباحثه 4-4- («تعالوا ندع أبناءنا و أبناءکم و نساءنا و بیساءکم و أنفسنا و أنفسکم ثم نبتهل فنجعل لعنت الله علی الکاذبین» (قرآن کریم، سوره آل عمران، آیه ۴۱))

5- («إنی نازک فیکم الثقلین کتاب الله و عترتی ما إن تمسکتکم بهما لن تضلوا أبدا و انهما لن یفترقا حتی یردا علی الحوض»)

۶. یزیدیه

یزیدیه را فرقه ای از غلات دانسته اند که بیشتر در نواحی کردستان ایران و عراق زندگی می کنند. تمرکز اصلی آنها در ناحیه موصل عراق و منطقه ای به نام سنجار می باشد. تعداد اندکی از آنها نیز در دیاربکر ترکیه، حلب سوریه و تفلیس ارمنستان ساکن هستند. جمعیت یزیدیها را حدود صد هزار نفر تخمین زده اند. آئین یزیدیه یک آئین قدیمی است که سابقه آن به پیش از اسلام باز می گردد و تحت تأثیر ادیان زرتشتی و مانوی قرار دارد. در مورد وجه تسمیه این آئین اختلاف نظر وجود دارد. عده ای این آئین را منسوب به یزید بن معاویه و عده ای دیگر منسوب به یزید بن انسبه خارجی دانسته اند. اما عده ای نیز معتقدند این آئین منسوب به «یزد» زرتشتیان می باشد. پیروان این آئین تحت تأثیر آئین مهرپرستی قرار گرفته اند و پس از اسلام، افکار صوفیان بر آنان تأثیر گذاشته است. ثنویت زرتشتی از عقائد بنیادی آنان است.

تیمور پاشا، محقق مصری که به بررسی مذهب یزیدیه پرداخته است و کتابی با عنوان «الیزیدیه و منشأ نحلتهم» در این رابطه نوشته است عتقد است تا قبل از قرن ششم هجری قمری، هیچ نامی از این طایفه در تاریخ وجود ندارد و تنها در قرن ششم بود که فردی به نام «شیخ عدی» که نسبش به امویان و مروان بن حکم^{۱۲} بازمی گشت به میان آنان رفت و آنان را به اسلام دعوت کرد و طریقه های به نام «عدویه» در بین آنان به وجود آورد.

شیخ عدی که در سوریه به دنیا آمده بود، به سمت کردستان عراق عزیمت کرد و در منطقه «حکاری» ساکن گردید و در بین سالهای ۵۵۵ تا ۵۵۸ قمری در این منطقه درگذشت. شیخ عدی نزد پیروان یزیدیه دارای مقام و جایگاه برجسته ای است به نحوی که یزیدیان خاک مزار وی را با خمیر نان آغشته می کنند و برای تبرک می خورند (مشکور ۱۳۷۲، ۴۷۲)

خوردن تربت مزار شیخ عدی به صورت روزانه برای پیروان یزیدیه واجب است و معتقدند هرکس این کار را عمدا ترک کند کافر شده است (خمینی ۱۳۸۹، ۱۵۴۸). یزیدیان بعد از تشریف به اسلام، دست از عقائد اولیه خود در باب پرستش خورشید، ثنویت و تناسخ دست برنداشتند و پس از مرگ شیخ عدی، به عقائد اولیه خود بازگشتند و در ادامه به امامت یزید بن معاویه و سپس الوهیت او معتقد شدند. یزیدیان معتقدند خداوند در کوهی به نام «لالش» ساکن است. این کوه محلی است که شیخ عدی در آن دفن شده است. آنان شیطان را طاووس مینامند و برای او مقام بالایی قائل هستند. یزیدیان موظفند در هر سال، حداقل یک بار مزار شیخ عدی و حداقل سه بار مقام طاووس را زیارت کنند.

حج آنان حضور در مرقد شیخ عدی میباشد. نماز جماعت، تعلیم قرآن برای مردم عادی، پوشیدن لباس زرد، خوردن گوشت خوک، ماهی و آهو، خوردن برخی از حبوبات مانند لوبیا، تراشیدن سیبل، نگاه کردن به زن غیر یزیدی، غسل جنابت، قضای حاجت زیر سقف، خوردن ذبیحه غیر یزیدی و فاش کردن کتابهای دوگانه مقدس از محرمات آئین یزیدیه میباشد. (خمینی، ۱۳۸۹، ۱۵۴۹)

تیمور پاشا ادعا کرده است به سندی دست یافته است که دربرگیرنده عقائد شیخ عدی میباشد و در آن آمده است:

«یزید بن معاویه امام و پسر امام است. خلافت را متولی شد و در راه خدا جهاد کرد و از او علم و حدیث نقل شده است. او از طعنه روافض درباره قتل حسین (ع) بری است و طعنه زندگان به او مهجور هستند.» (خمینی، ۱۳۸۹، ۱۵۴۸)

اگرچه در مورد وجه تسمیه یزیدیها اختلاف نظر فراوانی وجود دارد اما برخی از عقائد آنان که در کتاب «مصحف رش»، دومین کتاب مقدس آنان آمده است به ارادت

1- (مورخین نام کامل او را عدی بن مسافر بن اسماعیل بن موسی بن مروان بن حسن بن مروان بن حکم دانسته اند).

آنها به امویان و شخص یزیدبن معاویه اشاره دارد در این کتاب آمده است:

«محمد(ص) خادمی داشت به نام معاویه، خدا به او نگاه کرد دید وی به راه مستقیم نمی رود و می خواهد سر از اسرار او در آورد. محمد(ص) به معاویه گفت سر من را بتراش زیر وی می توانست سرتراشی کند. معاویه به آرامی بیامد ولی با شدت سر محمد(ص) را بتراشید و سرش را خون آورد، چون معاویه خون را دید آن را با زبان خود بلیسید تا مبادا خون محمد(ص) روی زمین بچکد. محمد(ص) به معاویه گفت این چکار بود کردی؟ معاویه گفت ترسیدم خون تو بر زمین بریزد. محمد(ص) به او گفت خطا کردی و تو امتی را به دنبال خود می کشانی و امت من لقب تو را می گیرند.

معاویه گفت پس من وارد عالم نمیشوم و ازدواج نمی کنم. پس از مدتی خداوند کژدم هایی را بر او مسلط کرد که کژدمها او را گزیدند و وی را مسموم ساختند.

پزشکان برای دفع سم، زن گرفتن را بر معاویه تجویز کردند. معاویه ناچار شد زنی بگیرد و زنی که برایش آوردند پیرزنی هشتاد ساله بود تا آستن نشود ولی معاویه با او نزدیکی کرد و بامداد روز بعد آن پیرزن بیست و پنج ساله شد و این امر به قدرت خداوند روی داد و یزید را که خدای ماست به دنیا آورد.» (مشکور، ۱۳۷۲ ، ۴۷۳).

۷. مسیحیت

سرزمین سوریه و به ویژه شهر دمشق برای مسیحیان پس از بیت المقدس و بیت الحم در فلسطین اشغالی از اهمیت ویژه ای برخوردار است. گفته میشود کلیسای یوحنا ی تعمید دهنده که به استناد منابع مسیحی، قدیمی ترین کلیسای مسیحیان محسوب میشود در دمشق قرار دارد. همچنین کلیسای حضرت مریم در دمشق که در قرن دوم میلادی ساخته شده است و متعلق به پیروان فرقه روم ارتدکس است در زمره قدیمی ترین کلیساهای جهان قرار دارد. کلیسای کیسان و منزل حنایا در باب توما به همراه مرقم مادر حضرت مریم (س) که در دامنه کوه قاسیون قرار دارد

برای مسیحیان از تقدس ویژه ای برخوردار است. 10 درصد از جمعیت سوریه را مسیحیان تشکیل می دهند. مسیحیان ساکن در سوریه از فرقه های روم ارتدکس، روم کاتولیک، ارمن کاتولیک، ارمن ارتدکس، نسطوری، مارونی، پروتستان و سریان کاتولیک می باشند. اکثر مسیحیان سوریه از فرقه روم ارتدکس و پیرو کلیسای انطاکیه می باشند. پیروان این کلیسا حدود ۱۲ میلیون نفر تخمین زده می شوند که در خاورمیانه، در کشورهای سوریه، لبنان و عراق سکونت دارند.

پیروان فرقه روم کاتولیک تابع واتیکان هستند و آرامنه سوریه، تابع دو کلیسای آرامنه در ارمنستان و لبنان می باشند. با توجه به اینکه ، آرامگاه مارمارون « رهبر اصلی فرقه مارونی در نزدیکی شهر حلب در سوریه قرار دارد، این کشور برای مارونی ها از اهمیت ویژه ای برخوردار است تعداد مارونی های سوریه حدود پنجاه هزار نفر تخمین زده میشود. مسیحیان سوریه در اغلب شهرهای این کشور به ویژه در دمشق و مناطق اطراف حمص، لاذقیه، حماه، حلب، حسکه و دیرالزور پراکنده اند (علیزاده طباطبایی، ۱۳۸۷، ۴۳ و ۴۴).

اقوام سوریه

کردها بزرگترین اقلیت قومی سوریه را تشکیل میدهند، اما در مورد جمعیت آنها اختلاف نظر فراوانی وجود دارد. در حالی که کردها جمعیت خود را حدود دو میلیون نفر تخمین می زدند دولت سوریه جمعیت آنان را کمتر از یک میلیون نفر اعلام می کند. علت این اختلاف آمار به عدم اعطای تابعیت به تعداد زیادی از کردهای ساکن سوریه و مهاجرت بسیاری از آنان به سایر مناطق این کشور و عدم سرشماری آنان در قالب قوم کرد باز می گردد. دولت سوریه در سال ۱۹۶۲ تابعیت بسیاری از کردها را به این دلیل که به زعم دولت از کردهای کشورهای همسایه (عراق و ترکیه) بوده و در دهه شصت میلادی و پس از تصمیم دولت سوریه در واگذاری زمین به کشاورزان، به سوریه مهاجرت کرده اند، سلب کرد.

اتحاد دموکراتیک کردهای سوریه در بیانیه ای مناطق کردنشین سوریه را خودگردان اعلام کرد. (محمودیان، ۱۳۹۲)

البته این اقدام حزب اتحاد دموکراتیک سوریه که با حمایت پ ک ک صورت گرفت، از پنج جهت با انتقاد مواجه شد: نخست، دولت سوریه این اقدام را به رسمیت نشناخته است و در قبال آن سکوت کرده است. دوم، جریان های معارض دولت این اقدام را نوعی معامله با دولت سوریه قلمداد می کنند و معتقدند کردها به انقلاب سوریه پشت کرده اند؛ سوم، سایر احزاب و جریان های کردی این اقدام حزب اتحاد دموکراتیک را خودمحوری و جاه طلبی حزبی قلمداد می کنند. چهارم، اقلیم کردستان عراق به عنوان بازیگری مهم در عرصه کردی، این اقدام را همکاری با دولت سوریه می داند. پنجم، ترکیه خودگردانی کردهای سوریه را تهدیدی برای خود قلمداد می کند و آن را مشروع نمیداند.

به هر حال کردهای سوریه که سال ها در محدودیت و انزوا به سر می بردند، توانستند از شرایط ناشی از بحران سوریه بهره برداری و خود را در قالبی تشکیلاتی بر دولت مرکزی سوریه تحمیل کنند. دولت سوریه نیز در شرایط فعلی ناگزیر از پذیرش یا دست کم سکوت در قبال تحولات کردی است.

سیاست های حزب بعث در قبال کردهای سوریه طی شش دهه گذشته از قبیل کوچاندن کردها، مهاجرت اعراب سنی و علوی به مناطق کردنشین و انزوا و محدودیت کردها باعث شده است کردهای سوریه طی سالهای گذشته نتوانند به لحاظ هویتی از هویت مستقل قومی و به لحاظ جغرافیایی از یکپارچگی برخوردار شوند. در حالی که پ ک ک مناطق کردی سوریه را «جنوب کوچک» می نامد و جریان های

رابطه قوم کرد و دولت مرکزی سوریه فراز و نشیب بسیاری داشته است. با به قدرت رسیدن حزب بعث در سال ۱۹۶۳ در سوریه با رویکرد سوسیالیسم و ناسیونالیسم عربی، سیاست تعریب اقوام غیرعرب از جمله کردها در دستور کار دولت قرار گرفت و برنامه کوچ اجباری و هویت زدایی از کردها آغاز شد. عدم پذیرش کردها در جامعه سوریه به حدی بود که دولت از اعطای شناسنامه هویتی به تعداد زیادی از کردها در دهه شصت میلادی امتناع کرد. هم چنین نام رسمی کشور سوریه (جمهوری عربی سوریه) از زمینه های مناقشه میان آنها و دولت سوریه است.^۱ کردها معتقدند نام سوریه فراگیر نیست و کردها به عنوان بزرگترین اقلیت قومی نادیده گرفته شده اند. (علیزاده طباطبایی، ۱۳۸۷، ۱۸).

با روی کار آمدن بشار اسد، در نحوه مواجهه دولت با کردها تغییرات محسوسی به وجود آمد و در این دوره به بخشی از کردها شناسنامه سوری اعطای شد. اما این روند چندان دوام نیافت و با قدرت گرفتن پ ک ک در شمال سوریه، مجدداً کردها و دولت سوریه در مقابل یکدیگر قرار گرفتند و شورش قامشلی که در سال ۲۰۰۴ رخ داد، امکان هرگونه تفاهم میان دولت و کردها را از میان برد. پس از آغاز اعتراضات در سوریه در سال ۲۰۱۱ و گسترش ناآرامی ها به سراسر کشور، کردها از فرصت پیش آمده نهایت بهره برداری را کردند و کنترل بخش وسیعی از مناطق کرد نشین را در دست گرفتند. کردها در مناطق تحت کنترل خود در چندین مرحله با معرضین مسلح درگیر شدند و آنان را از این مناطق بیرون راندند. دولت سوریه که نمی خواست جنگ داخلی گسترش یابد و طرفهای درگیر افزایش پیدا کنند، در سال ۲۰۱۲ نیروهای ارتش را از مناطق کردنشین خارج کرد و در نهایت در سال ۲۰۱۳ حزب

(محمودیان، ۱۳۹۲) «فراز و فرودهای کردهای سوریه»، قابل دسترسی در:

<http://www.kurdpress.com/Fa/NSite/FullStory/News/?Id=209140> (Title)

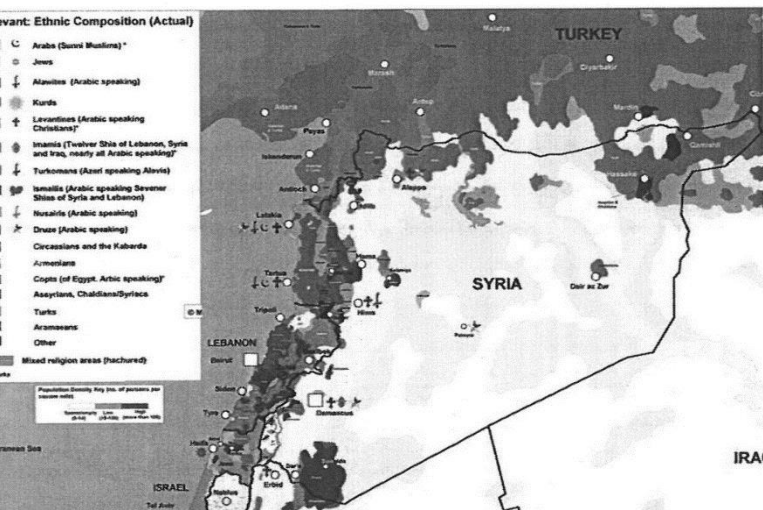
1- (اصل یکم از قانون اساسی سوریه: ۱) جمهوری عربی سوریه دولتی دموکراتیک، مردمی، سوسیالیست و دارای حاکمیت با سرزمین غیر قابل تجزیه است. جمهوری سوریه عضو دولت جمهوری های متحد عرب است. 2) کشور عربی سوریه بخشی از وطن عربی است. 3) ملت سوریه جزئی از امت عرب است و در تحقق وحدت کامل آن کوشش می کند.)

کردی اقلیم کردستان از آن با نام «کردستان غربی» یاد می کنند، کردها از نظر سازماندهی تشکیلاتی مانند هم قومان خود در شمال و شرق، انسجام ندارند. تعدد احزاب و جریان های کردی در مناطق خودگردان سوریه، پراکندگی جمعیتی آنان و ایفای نقش های متناقض توسط بازیگران منطقه ای و فرامنطقه ای در تحولات کردی، هرگونه پیش بینی را در مورد آینده روابط کردها به عنوان یک گروه قومی اقلیت با دولت سوریه به عنوان یک گروه قومی حاکم ناممکن ساخته است اما آنچه مسلم است شرایط پیش آمده قابل بازگشت به نقطه صفر نخواهد بود.

کردها که در حال حاضر کنترل مناطق کردنشین سوریه را در دست گرفته اند، تا از دولت مرکزی امتیازات کافی نگیرند، از پای نخواهند نشست. شکاف قومی (کردی- عربی که قبل از بحران سوریه تقریباً شکاف غیرفعال بود، در حال حاضر به دلیل هویت یابی کردهای سوریه و افزایش سطح مطالباتشان و هم چنین توفیق شان در نهادسازی به شکافی فعال تبدیل شده است و بحران سوریه در این فرایند نقش عامل میانجی (کاتالیزور) را ایفا کرد.

نتیجه گیری

در زمان ترسیم نقشه سیاسی خاورمیانه در سال ۱۹۲۱، خطوط مرزی به گونه ای تعیین شدند که منافع انگلستان به عنوان قدیمی ترین قدرت استعماری تأمین شود. در ترسیم این مرزها واقعیات تاریخی، جغرافیایی، قومی و مذهبی نادیده گرفته شدند، به گونه ای که این مرزها به عنوان چالشی دائم، بحرانهای متعددی در خاورمیانه به وجود آورده اند. (برزگر،



هایی که دارای عقاید مختلف اند، ایجاد جنگ، ایجاد درگیری و ایجاد بحران، که هم، جلوگیری از بحران آفرینی کنند تا بتوانند مقاصد خواست قدرت هایی است که ادامه حیات شان منوط به بحران آفرینی است؛ باید دنبال کنند» (بیانات در دیدار دست اندرکاران ستاد اقامه نماز، 85/6/17 قابل خبیث خودشان را میان جامعه بین المللی دسترسی در:

<http://www.leader.ir/langs/fa/index.php?p=bayanat&id=2940>

(مقام معظم رهبری: «امروز آمریکایی ها به استفاده از تجربه و تخصص انگلیسی ها در ایجاد اختلاف های مذهبی و قومی روی آورده اند و بر همین اساس، همه ملتها، علما و نخبگان دانشگاهی منطقه اعم از شیعه و سنی باید هوشیار بیانات در مراسم سالگرد ارتحال امام (ره)، 1391/3/14، قابل دسترسی در: باشند تا به نقشه دشمن کمک نکنند.

<http://www.leader.ir/langs/fa/index.php?p=contentShow&id=9478>

در دنیا، قرار دادن اصحاب ادیان مختلف و مذاهب مختلف در مقابل مقام معظم رهبری: «مسئله بحران آفرینی مذهبی این همکاری ملت

در سوریه دانست، بی شک در گسترش و تداوم بحران بی تأثیر نبوده اند. (زارعان، ۱۳۹۲، ص ۱۴، ش ۵۶، ص ۳۹). در حال حاضر شکافهای مذهبی و قومی که در اثر بحران سوریه تعمیق و فعال شده اند در قالب نمایه زیر قابل تصور است. تابعیت سوری بسیاری از کردها سلب شد. (علیزاده طباطبایی، ۱۳۸۷، ص ۱۸). پس از آغاز بحران در سوریه، کردها نیز از شرایط به وجود آمده بهره برداری کردند و کنترل مناطق کردنشین را در دست گرفتند و حتی به منظور حفظ مناطق مورد ادعای خود در چند مرحله با معارضین مسلح درگیر شدند و در نهایت مناطق تحت سلطه خود را خودگردان اعلام کردند.

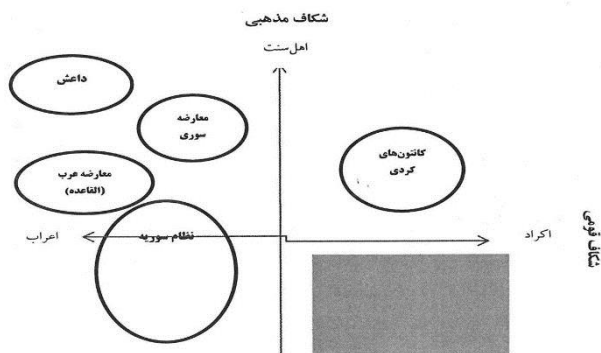
حکومت حافظ اسد و بشار اسد علوی مذهب طی بیش از چهار دهه و رفتار خشونت آمیز آنها با اهل سنت ناراضی در برخی مقاطع مانند سرکوب شورش حماه در سال ۱۹۸۲، از عوامل تشدید بحران در سوریه است. اگرچه منشأ اصلی بحران سوریه، شکاف مذهبی (سنی - علوی) نیست، القای وجود جنگ مذهبی باعث سرازیر شدن خیل عظیمی از افراط گرایان تکفیری به سوریه برای مقابله و «جهاد با روافض» شده و بر دامنه و ابعاد بحران افزوده است.

عدم تکوین دولت - ملت یا به عبارت بهتر «هویت ملی» و شکاف فزاینده موجود میان هویت ملی و هویتهای قومی و مذهبی از ویژگی ذاتی اکثر کشورهای خاورمیانه است. (ریموند الویشس ۱۳۸۲، ص ۲۷).

این وضعیت به بروز بحران ها یکی پس از دیگری می انجامد و سازوکارهای امنیتی پیچیده‌های به وجود می آورد. شکل نگرفتن هویت فراگیر و واحد در بسیاری کشورهای خاورمیانه که به بروز کشمکش های ملی و منطقه ای می انجامد، به دلیل ناکارآمدی رژیم های سیاسی در حل و فصل بحران های هویتی، پای بازیگران

بین المللی را که با مداخله کردن در این بحران ها، پس از به قدرت رسیدن حزب بعث و اتخاذ رویکرد سوسیالیسم و ناسیونالیسم عربی، سیاست تعریب اقوام عرب پیش گرفته شد و اقداماتی مانند هویت زدایی از کردها و کوچ اجباری آنان و کوچاندن اعراب به مناطق کردنشین انجام گرفت و منافع سیاسی، اقتصادی و امنیتی خود را جست و جو می کنند، به منطقه باز می کند. (قادری گنگاوری، ۱۳۸۷، ش ۲۴۷، ص ۸۴).

این وضعیت موجب بروز بحران هایی جدید ناشی از مقاومت ملتها در برابر نیروهای بیگانه می شود؛ به این ترتیب چرخهای از بحران مستمر و فزاینده شکل می گیرد. در این راستا با توجه به آرایش عمومی و مذهبی و تسلط اقلیت ۱۳ درصدی علوی بر جمعیت اهل سنت که حدود ۷۴ درصد جمعیت سوریه را تشکیل می دهند. زمینه را برای گسترش اعتراض و انتقام گیری از علویان مناسب دیدند. از سوی حکومت خارجی مانند عربستان و قطر و قدرت های فرامنطقه‌ای مانند آمریکا که از سیاست خارجی غیر همسویی سوریه در منطقه برای مداخله و سرنگونی حکومت علوی مناسب دیدند. رقبای سیاسی و دشمنان سوریه در ابتدا با بزرگ نمایی آشوب و سرانجام با حمایت گسترده از مخالفان و تجهیز گروه های تروریستی مانند داعش والنصره به دخالت گسترده در سوریه برای به بن بست نشانیدن دولت علوی دست زدند در این راستا گروه های معارض سوری از سوی ۱۱۴ کشور به رسمیت شناخته شدند و دولت سه، به از لحاظ اصلا شناسا. سن المللا. نا



(محمودیان، ۱۳۹۲)، «فراز و فرود کردهای سوریه»، قابل دسترسی در:

مشروعیت دولت علوی در داخل و خارج با چالش روبرو شده و انسجام درونی سوریه از بین رفته است در واقع دولت بشار اسد مو جرات و حیات سیاسی خود را مروهون کمک متحدانی چون ایران و روسیه است بنابراین می توان نتیجه گرفت که بحران سوریه سبب تضعیف حکومت علویان گردیده و به شاخصه های قومی و مذهبی به شدت آسیب وارد کرده است.

دچار ضعف گردید و وحدت و انسجام درونی جامعه سوریه از هم پاشید. کنترل دولت بر مرزها از بین رفت و در سال ۱۳۹۴ بیش از ۷۰ درصد خاک کشور از دست دولت علوی خارج شد از سوی تضعیف دولت اسد و عقب نشینی نیروهای دولتی از مناطق کردنشین سبب کنترل منطقه کردستان سوریه توسط نیروهای کرد گردید. در جریان بحران ناآرامی ها و کنترل بیش از ۵۰۰ درصد خاک سوریه توسط داعش، بیش از ۹ میلیون نفر از مردم سوریه آواره شده و بیش از ۳۲۰ هزار نفر جان خود را از دست دادند و در سال ۲۰۱۵ طبق آمارهای موجود سوریه به عنوان ناامن ترین کشور جهان نام گرفت که نتیجه آن مهاجرت پنج میلیون سوری به خارج از کشور بود. با ادامه حملات گروهی تروریستی و حملات خارجی به سوریه، دولت این کشور از لحاظ اقتصادی به شدت تضعیف گردیده و زیرساخت های سوریه به شدت آسیب دیدند. تولید و صدور نفت سوریه از ۳۰۰ هزار بشکه در روز به ۱۴ هزار بشکه رسید تو و تولید و صادرات محصولات کشاورزی بیش از ۶۰ درصد کاهش یافت. در این راستا نرخ رشد تولید صنعتی به یک درصد رسید و از لحاظ اقتصادی دولت با بن بست روبه رو شد اگر کمکهای متحدانی چون ایران و سوریه روسیه نبود، دولت علویان سوریه ساقط می گردید. در آخر باید به تحریم سزار اشاره کنم که در سال ۲۰۲۰ یکی از بزرگترین تحریم های جهانی و بین المللی علیه دولت بشمار آمده بوده است و البته این تحریم متحدان دولت سوریه را نیز در بر می گرفت بنابراین با نگاهی به وضعیت دولت علویان به رهبری بشار اسد در سوریه بعد از شروع و گسترش بحران در این کشور می توان دریافت که دولت از بُعد حاکمیتی سرزمین به شدت تضعیف شده و تسلط بیش از ۷۰ درصد خاک خود را از دست داده و جمعیت این کشور به دلیل کشتار و مهاجرت، کاهش یافته و زیرساخت های سوریه به شدت تضعیف شده است و دولت توانایی برقراری امنیت را در داخل از دست داده و سوریه به عنوان یک کشور ناامن تبدیل شده است. این موضوع دولت را از انجام وظایف در تامین رفاه و برقراری امنیت برای شهروندان باز داشته است از سوی

فهرست منابع

- عالم، عبدالرحمان، ۱۳۸۷، بنیادهای علم سیاست
تهران: نشر نی .

- قدیانی، عباس (۱۳۷۴) تاریخ ادیان و مذاهب در
ایران، تهران: انتشارات انیس.

- مادلونگ، ویلفرد (۱۳۷۷) فرقه های اسلامی، ترجمه
ابوالقاسم سری، تهران: انتشارات اساطیر.

- محمودیان، آرمان (۱۳۹۲)، «فراز و فرودهای
کردهای سوریه»، قابل دسترسی در:

<http://www.kurdpress.com/Fa/NSite/FullStory/News/?Id=۵۵۹۳۶ITitle>

- مشکور، محمدجواد (۱۳۷۲) فرهنگ فرق اسلامی،
چاپ دوم، مشهد: مؤسسه چاپ و انتشارات آستان
قدس رضوی.

- مصلی نژاد، عباس (۱۳۸۸)، «علل تداوم بحران های
خاورمیانه در دوره جرج بوش»، پژوهشنامه علوم
سیاسی، ش ۱۴، بهار ۱۳۸۸.

- هیلد، گوردون (۱۳۷۳) ارزش ها و گرایش های
سیاسی و مذهبی در ایالات متحده، اروپا و ژاپن،
فصلنامه اطلاعات سیاسی - اقتصادی.

- هینبوش، ریموند الویشس (۱۳۸۲)، سیاست خارجی
کشورهای خاورمیانه، ترجمه علی گل محمدی، تهران:
پژوهشکده مطالعات راهبردی.

- یزدانی، عنایت‌الله و مصطفی قاسمی، ۱۳۹۵، تحلیلی
بر دولت ورشکسته در لیبی، فصلنامه دولت پژوهی .
سال دوم ، شماره ۶ .

-
<http://worldpopulationreview.com/countries/syria-population/>

- <http://www.onreligion.co.uk/who-are-the-syrian-allawis/>

- <http://rc.majlis.ir/fa/law/show/۱۳۲۲۷۷>

- McGee , Thomas , ۲۰۱۳, The Stateless
Syrian , Reportof the Middle East and
North Africa Nationality and

-امیرحامدآزاد (۱۳۹۳) رابطه کردهای سوریه ودولت
مرکزی قبل وبعدازبحران، پژوهش پشتیبان شماره ۲۵۳

- افتخاری، اصغر (۱۳۸۹) سیاست، دین و فرهنگ،
تهران: دانشگاه امام صادق و پژوهشگاه هنر و ارتباطات.
- برزگر، کیهان (۱۳۸۸)، «خاورمیانه در برزخ بحران و
ثبات»، کتاب ماه تاریخ و جغرافیا ش ۱۴۱، بهمن.

- بدیعی، مرجان، ۱۳۹۱، جهانی شدن و تحول مفهوم
حاکمیت ملی، فصلنامه تحقیقات کاربردی در علوم
جغرافیایی، سال ۱۲، شماره ۲۵ .

- جلال پور، شهره و همکاران، ۱۳۹۴: افول مفهوم
دولت-ملت در عصر جهانی شدن، فصلنامه تحقیقات
سیاسی و بین المللی، شماره ۲۳.

- خمینی، سیدحسن (۱۳۸۹) فرهنگ فرق اسلامی،
تهران: انتشارات اطلاعات .

- دوئرتی، تری (۱۳۸۵) سوریه، ترجمه مهسا خلیلی،
تهران: ققنوس .

- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷) لغت نامه، جلد هشتم،
تهران: انتشارات دانشگاه تهران .

- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷) لغت نامه، جلد سیزدهم،
تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

-روشن، علی اصغر و نورالله فرهادیان، ۱۳۸۵، فرهنگ
اصطلاحات جغرافیای سیاسی- نظامی، تهران: انتشارات
دانشگاه امام حسین (ع) .

- زارعان، احمد (۱۳۹۲)، «سنخ شناسی شکاف های
اجتماعی سوریه»، فصلنامه مطالعات راهبردی جهان
اسلام، س ۱۴، ش ۵۶، زمستان ۱۳۹۲.

- سبحانی، جعفر (۱۳۶۹) فرهنگ عقائد و مذاهب
اسلامی، جلد اول، قم: انتشارات سفینه.

- علیزاده طباطبایی، سیدموسی (۱۳۸۷) سوریه،
تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی وزارت امور
خارجه.

Statelessness Research Project
Tilburg University:

<http://ssrn.com/abstract=2269700>

- Van Dum, Nikolaos (1911) The
Struggle For Power in Syria, London:
Croom Helm

Abstract

With the arrival of the wave of Islamic awakening in the Arab world to Syria, one of the most complex ethnic religious challenges in the West Asian region was overcome and many regional and trans-regional countries realized this country. Perhaps the importance of Geneva Casper Syria and its strategic role in Regional and international relations have contributed to the creation and perpetuation of this unrest. Although the developments in Syria are partly rooted in the dissatisfaction of different ethnic groups and the tense internal situation in this country, there is no doubt that the common and sometimes conflicting interests of foreign countries in Syria have not been ineffective in determining ethnic and religious war and crisis. By asking the question, what was the position of ethnic-religious actors in the structure of Syria's cultural geography and the role of the Alawite government after the crisis? It tries to explain the religious-ethnic position in the structure of Syria and the role of the Alawite government in the crisis by using descriptive-analytical method and using library studies and objective observations. In this regard, the following hypotheses were proposed: ethnic-religious status and government The Alawites are shaky in Syria Studies to prove the hypothesis show that after the crisis, the ethnic-religious divide in Syria has expanded after the civil war, and on the other hand, the ruling Alawite regime in Syria has strongly shifted its position from Lost.

Keywords: ethnicities, religions, Syrian straccheral geography, Alawites